

# حقوق پناهندگان در اسناد سازمان ملل

سرمقاله

## توتاپ و مسیری که به فراموشی سپرده می شود

رحیم حمیدی

از سال ۲۰۰۴ به این سو، طرح توسعه برق روی دست گرفته شد. شرکت فشنر آلمانی برنده طراحی ماستریلان برق کشور شد. این شرکت ماستریلان برق کشور را آماده کرد و آن را به حکومت تحویل داد. براساس ماستریلان مذکور افغانستان تا کسب توانایی برای تولید برق در داخل باید از کشورهای آسیایی میانه برق خریداری نماید. در همین ماستریلان آمده است که خط برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان باید از مسیر بامیان بگذرد. چندی پیش، شرکت برشنا بدون توجه به ماستریلان برق کشور مسیر سالنگ را برای انتقال برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان انتخاب کرد. این مهم موجب شکل گیری اعتراضها در درون حکومت و میان مردم کشور شد. در پی آن، اشرف غنی، رئیس جمهور کمیته ای با حضور نمایندگان وزارت خارجه، اقتصاد، مالیه، انرژی و آب و معاون دوم رئیس جمهور و رئیس اجرائیه تشکیل داد تا این مسئله را مورد بررسی قرار دهد.

ظاهرا گزارش کمیته تشکیل شده برای رئیس جمهور قناعت بخش نبوده است. او برای حل مسیر انتقال لاین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان با معاون دوم رئیس جمهور جلسه تشکیل می دهد. نتیجه این جلسه قناعت بخش نبوده است. چند نکته در ارتباط این مسئله قابل ذکر است.

اول؛ ماستریلان برق که توسط شرکت فشنر تهیه شده است از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۳۲ را در بر می گیرد. در این طرح پیش بینی شده است که تا سال ۲۰۳۲ افغانستان بتواند ۶۸ درصد انرژی مورد نیاز خود را در داخل تولید کند. گزینه های زیادی برای تولید انرژی وجود دارد. تولید انرژی از طریق سولر، بادی و آب از مواردی است که افغانستان می تواند انرژی مورد نیاز خود را تأمین نماید. اما سخن بر سر این است که تا قادر شدن حکومت در تولید انرژی چرا مناطق مرکزی در خاموشی و تاریکی به سر برد. اگر لاین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان از مسیر بامیان بگذرد، تا سال های سال تاریکی بر بامیان حاکم خواهد بود زیرا، جدا از طرحی که در ماستریلان مذکور ارائه شده است هیچ طرحی مبنی بر تأمین انرژی مورد نیاز بامیان، سمنگان و غور وجود ندارد. بنابراین، این ولایات برای سال های آینده در تاریکی به سر خواهد برد. دوم؛ سمنگان یکی از ولایات کشور است که دارای منابع ذغال سنگ می باشد. بامیان ظرفیت بالای در جلب گردشگران و رشد صنعت کشاورزی دارد. انتقال لاین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان می تواند کمک بزرگی به استخراج معادن ذغال سنگ سمنگان و بالا بردن ظرفیت گردشگری بامیان و صنعت کشاورزی شود. ذغال سنگ یکی از منابع مهم در تولید انرژی است. براساس ماستریلان برق کشور ما باید توانایی تولید ۶۸ درصد انرژی مورد نیاز کشور را کسب نماید. انتقال لاین برق از مسیر بامیان در واقع می تواند به این مهم کمک نماید تا ما بتوانیم تا سال ۲۰۳۲ تولید انرژی داخلی را افزایش دهیم. از طرف دیگر، انتقال لاین برق از مسیر سالنگ این مزیت را ندارد. بلکه تهدیدات جدی طبیعی متوجه آن است. در زمستانها برق کوچک به پایهای برق آسیب می رساند. همان طور که دو سال پیش، بر اثر برف کوچک پایهای برق در سالنگ تخریب شده بود، احتمال آن می رود که در سال های آینده نیز این اتفاق تکرار شود. از طرف دیگر، دو پروژه ۲۰۰ کیلو وولت و کاسا ۱۰۰۰ نیز از مسیر سالنگ گذشته است. انتقال لاین برق ۵۰۰ کیلو وولت از مسیر سالنگ ترافیک سنگین ایجاد می کند. بنابراین، مسیر بامیان امتیازها و مزیت های مهم برای مردم و حکومت افغانستان دارد که مسیر سالنگ ندارد. مسیر سالنگ نه تنها هیچ امتیاز و مزیت برای مردم و حکومت ندارد بلکه هزینه بر نیز هست.

سوم؛ سوال این است که چرا حکومت وحدت ملی تأکید بر انتقال لاین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان از مسیر سالنگ دارد؟ با توجه به اینکه حداقل در فصل زمستان تهدید جدی متوجه پایهای برق است و با توجه به اینکه مسیر بامیان مزیت های مهم برای مردم و حکومت دارد، چرا حکومت و شخص اشرف غنی و عبدالله به مسیر سالنگ تأکید دارد؟

پدیده مهاجرت از گذشته های دور دور میان جوامع بشری وجود داشته و هر دوره و جامعه مطابق باورها و فرهنگ خود راهکاری برای آن آندیشسه است. در عصر حاضر که زندگی اجتماعی بسط و بیچیدگی چشمگیر داشته، اندیشه حمایت و همکاری با هم نوعان در نظام حقوق جهانی اهمیت ویژه پیدا کرده است. این اندیشه در قالب وضع مقررات حقوقی، کنوانسیون ها و میثاقهای بین المللی در دفاع، حمایت و همکاری از پناهندگان و مهاجران تجلی و ظهور یافته است. از آن جمله می توان به کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنوا، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ اشاره کرد.

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنوا تعریفی مشخص از پناهندگی ارائه کرده است که با اتکا به آن پدیده و بحران مهاجرت در عصر حاضر مورد بررسی قرار میگردد. در این کنوانسیون آمده است: پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به عمل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در برخی از گروه های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی، تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر می برد و نمی تواند و یا بعلت ترس مذکور نمی خواهد، خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد. یا در صورت که قاعدتاً تابعیت است، پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می برد، نمی تواند یا بعلت ترس مذکور نمی خواهد به آن کشور باز گردد.» طبق تعریف فوق پناهنده کسی است که اولاً، بدلیل ترس از تعقیب و نیز نجات جان، مال، آزادی خود به کشوری دیگری پناهنده می شوند. دوماً، عنصر اساسی در پناهندگی، ترس موجه از تعقیب و آزار است. با توجه به دو مورد مذکور، سوال این است که تشخیص ترس موجه با کیست؟ کشور میزبان یا مهاجر و پناهنده؟ آنچه از روح کنوانسیون و عملکرد دولت های مهاجر پذیر قابل استنباط است، تشخیص ترس موجه با کشور میزبان و مهاجر پذیر است. پناهنده مکلف به ارائه اسناد و شواهدی اند که وجود خطر جانی، مالی و آزادی های فردی را تثبیت کند.

نعمت الله حسینی



ولایت افغانستان مینداید با بررسی شواهد و مدارک ارائه شده، تصمیم به قبولی یا رد پناهنده میگیرند. با این رویکرد، اقدام آلمان و برخی از کشورهای اروپایی مبنی بر اخراج پناهندگان موجهه و یا بعضاً غیر موجهه می باشد. اخراج پناهنده گان افغانی از آلمان بما هو افغان، بدون شک نقض آشکار کنوانسیون ۱۹۵۱ می باشد اما اگر این عمل تنها شامل کسانی شوند که دلایل کافی و قناعت بخش برای پناهندگی خویش ندارند، هیچ مسئولیت را متوجه آلمان نخواهد کرد. سوال: آیا ترس و خطر که در کنوانسیون معیار برای پناهندگی شمرده شده اند، باید با لاین باقی ماندن یا باقی ماندن کنوانسیون مطلق است و هیچ نوع قید مبنی بر با لاین بودن ترس وجود ندارد. بنابر این، مطابق گزارشهای که رادیو آلمان از پارلمان افغانستان ارائه کرده است، از ۲۴ ولایت افغانستان ۲۵ ولایت تا این است و خوف خطر طالبان جان، مال و آزادی مردم را تهدید می کند و همچنین گزارش آنتونی آنتونوف در نشست وزرای دفاع کشورهای جنوب آسیا مبنی بر فعالیت داعش در ۲۴

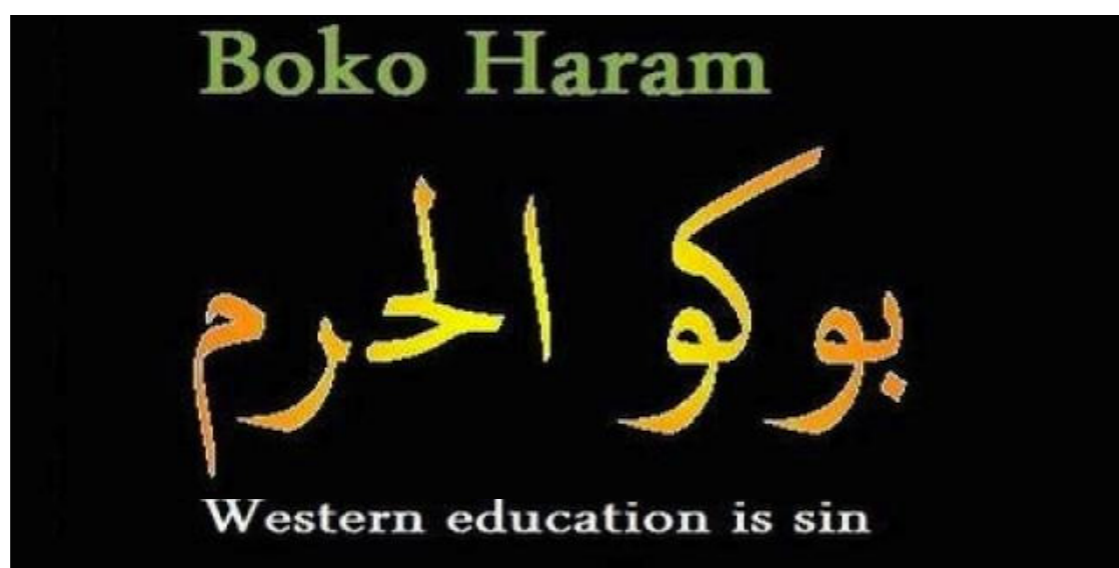
ولایت افغانستان مینداید با بررسی شواهد و مدارک ارائه شده، تصمیم به قبولی یا رد پناهنده میگیرند. با این رویکرد، اقدام آلمان و برخی از کشورهای اروپایی مبنی بر اخراج پناهندگان موجهه و یا بعضاً غیر موجهه می باشد. اخراج پناهنده گان افغانی از آلمان بما هو افغان، بدون شک نقض آشکار کنوانسیون ۱۹۵۱ می باشد اما اگر این عمل تنها شامل کسانی شوند که دلایل کافی و قناعت بخش برای پناهندگی خویش ندارند، هیچ مسئولیت را متوجه آلمان نخواهد کرد. سوال: آیا ترس و خطر که در کنوانسیون معیار برای پناهندگی شمرده شده اند، باید با لاین باقی ماندن یا باقی ماندن کنوانسیون مطلق است و هیچ نوع قید مبنی بر با لاین بودن ترس وجود ندارد. بنابر این، مطابق گزارشهای که رادیو آلمان از پارلمان افغانستان ارائه کرده است، از ۲۴ ولایت افغانستان ۲۵ ولایت تا این است و خوف خطر طالبان جان، مال و آزادی مردم را تهدید می کند و همچنین گزارش آنتونی آنتونوف در نشست وزرای دفاع کشورهای جنوب آسیا مبنی بر فعالیت داعش در ۲۴

ولایت افغانستان مینداید با بررسی شواهد و مدارک ارائه شده، تصمیم به قبولی یا رد پناهنده میگیرند. با این رویکرد، اقدام آلمان و برخی از کشورهای اروپایی مبنی بر اخراج پناهندگان موجهه و یا بعضاً غیر موجهه می باشد. اخراج پناهنده گان افغانی از آلمان بما هو افغان، بدون شک نقض آشکار کنوانسیون ۱۹۵۱ می باشد اما اگر این عمل تنها شامل کسانی شوند که دلایل کافی و قناعت بخش برای پناهندگی خویش ندارند، هیچ مسئولیت را متوجه آلمان نخواهد کرد. سوال: آیا ترس و خطر که در کنوانسیون معیار برای پناهندگی شمرده شده اند، باید با لاین باقی ماندن یا باقی ماندن کنوانسیون مطلق است و هیچ نوع قید مبنی بر با لاین بودن ترس وجود ندارد. بنابر این، مطابق گزارشهای که رادیو آلمان از پارلمان افغانستان ارائه کرده است، از ۲۴ ولایت افغانستان ۲۵ ولایت تا این است و خوف خطر طالبان جان، مال و آزادی مردم را تهدید می کند و همچنین گزارش آنتونی آنتونوف در نشست وزرای دفاع کشورهای جنوب آسیا مبنی بر فعالیت داعش در ۲۴

آن استفاده شود و نسبت به دولت مکلفیت که باید به آن عمل کند؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا مواد از اعلامه جهانی حقوق بشر، حقوق بشر سلامی و کنوانسیون ژنوا لازم و ضروری است. ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر کس حسق دارد، در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهمگاهی جستجو کند و در کشوری دیگر پناه اختیار کند.» ماده ۱۲ حقوق بشر اسلامی «هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج از کشور را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن، می تواند به کشوری دیگری پناهنده شود و بر آن کشور (میزبان) واجب است که با او مدارا کند تا اینکه پناهمگاهی برایش فراهم شود.» ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ «... دولت های متعاهد پناهندگی که مستقیماً از سر زمینی که در آنجا زندگی می کرده و آزادی شان در معرض تهدید بوده و بودن اجازه به سر زمین آنها وارد شدند یا در آنجا به سر می برند بخاطر اینکه بر خلاف قانون وارد سر زمین آنها شدند یا در آن به سر می برند، مجازات نخواهند کرد، مشروط به اینکه آنها فوراً به مراجع مربوط معرفی شوند و دلایل قانع کننده برای ورود یا حضور غیر قانونی ارائه دهند. ۲- دولت متعاهد نسبت به رفت و آمد این قبیل پناهندگان محدودیت های غیر از آنچه لازم باشد، قابل نخواهد شد. و محدودیت مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این قبیل پناهندگان در کشور پناه پذیر تعیین نشده است یا اجازه ورود به کشور دیگری را تحصیل نکرده اند.» آنچه از روح و صراحت مواد مذکور استنباط می شود، که افراد تحت شرایط خاص که در معرض خطر و ترس قرار میگیرند، حق دارند به کشورهای دیگری پناهنده شوند. یعنی مهاجرت برای پناهندگان حق تلقی می شود و از سسوی دیگر برای کشورهای مهاجرپذیر نیز مکلفیت ایجاد می شود که نسبت به مهاجرین اقدام مسئولانه نموده و برای آنها شرایط لازم را برای زندگی امن فراهم سازند. هیچ کشوری عضو سازمان ملل متحد حق ندارد، حق مهاجرت را از پناهندگان واجد شرایط گرفته و نسبت به تکلیف خود، سهل انگاری نماید.

# ساحل: مرزهای رخنه پذیر، نهادهای ضعیف و مداخله بیگانگان

فیلیپ هوگون برگردان شهباز نخعی / قسمت اول



سومالی یعنی القاعده، جبهه آزادی بخش (FLM) در مالی و انصارالدین وجود دارد. المرابطون، موجائو و امضا کنندگان با خون - گروهی که در سال ۲۰۱۲ توسط مختار بالمختار ایجاد شد - بهم پیوسته و با القاعده متحد شده اند، اگرچه برخی نوع رفتار بیشتر جنبه پذیرفتن برجسب و زیرپرچم قرارگرفتن دارد. تأمین مالی و پیوندهای تدارکاتی با سازمان های اصلی به اثبات نرسیده است.

ش جوان سنگالی، مظنون به جهادگری، از ۲۰ فوروری گذشته تا نواکشتوت (موریتانیا) به داکار تحویل داده شدند. تهدید تروریستی، در چهارچوب رقابت بین القاعده و سازمان حکومت اسلامی [ادعاش] در آفریقای غربی گسترش می یابد. مداخلات نظامی در ساحل، شامل عملیات «برخان» (Barkhane) فرانسه، به ریشه خشونت حمله نمی کند.

گروه بوکوحرام، که در ماه مارچ ۲۰۱۵ نام خود را به «حکومت اسلامی آفریقای غربی» تغییر داد، حملات مرگبار خود در نیجریه و «سازمان حکومت اسلامی» [ادعاش] به پیشرفت در لیبیا ادامه می دهد و حملاتی علیه مناطق گردشگری سازماندهی می کند.

با قدرت حاکم هستند، بلکه می خواهند مرزهای میراث دوران استعمار را نیز تغییر داده و پیوندهای بین اروپا و آفریقای ساحلی را بگسلند.

پس از عملیات «سروال» فرانسه که با مجوز سازمان ملل در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۳ انجام شد، پاریس عملیات «برخان» را آغاز کرد: ۲ هزار تن در ۵ کشور ساحلی (موریتانیا، مالی، نیجر، چاد و بورکینا فاسو) با حمایت نیروهای آفریقایی و سازمان ملل در این عملیات شرکت کردند. این نیروها که انبارهای اسلحه را از بین بردند، از تدارکات گروه ها کاستند و به تهیه اطلاعات باری رساندند، درمالی موجب گذاری نهادین نیز شدند. با این حال، آنها نتوانستند خشونت را از بین ببرند. عملیات نظامی خارجی می تواند «موتنا» از درگیری های مسلحانه و ازدیاد شبه نظامیان جلوگیری نماید، ولی قادر به حمله به زمینه رشد آنها نیست و حتی این خطر را دارد، که بنابر خاصیت بومرنگ، مردم را علیه آنها برانگیزد و موجب سربر آوردن گروه های درعین حال مافیایی، سیاسی و مذهبی شود. درواقع، شبه نظامیان در ساحل بخش شده و با این سوء قصد ها را انجام می دهند. از جمله آنچه که توسط گروه «المرابطون» مختار جنوری در نوامبر ۲۰۱۵ در باماکو و در این شبه نظامیان که درعین حال مافیایی، سیاسی و مذهبی اند، به درجات مختلف وابسته به «القاعده در مغرب اسلامی» هستند. رقابت بین شبه نظامیان

سومالی یعنی القاعده، جبهه آزادی بخش (FLM) در مالی و انصارالدین وجود دارد. المرابطون، موجائو و امضا کنندگان با خون - گروهی که در سال ۲۰۱۲ توسط مختار بالمختار ایجاد شد - بهم پیوسته و با القاعده متحد شده اند، اگرچه برخی نوع رفتار بیشتر جنبه پذیرفتن برجسب و زیرپرچم قرارگرفتن دارد. تأمین مالی و پیوندهای تدارکاتی با سازمان های اصلی به اثبات نرسیده است.

کمان ساحل - صحرا مستعد گسترش این جنبش ها است، زیرا آسیب پذیری های بسیاری دارد: افزایش انفجارآمیز جمعیت، شکنندگی آب هوایی، نداشتن چشم انداز آینده برای زحمت کشان شهری و جوانان در مناطق روستایی به حال خود رهاشده، سنگینی قاچاق اسلحه و مواد مخدر در مناطق بدون کنترل، اعتراضات به قدرت حاکم و فساد فراگیر، فقدان یا ناتوانی نیروهای انتظامی و ضعف ارتش، ناتوانی حکومت های درگیر در این یا آن دوره از تاریخ خود، برای برنامه های تعدیل ساختاری و عدم توانایی در انجام وظایف حکومتی.

در شمال نیجریه، که به طور نسبی در تقسیم درآمد نفت به حال خود رها شده، محدود بوهاری، رئیس جمهوری، که خود از این بخش از کشور است، فعالیت بیشتری از سلف خود گودلاک جاناتان نشان می دهد. او که در مارچ ۲۰۱۵ انتخاب شده، علیه فساد مبارزه و همکاری منطقی ای را ترغیب می کند. باین حال، تبتانی بین برخی از مسئولان سیاسی یا ارتشی و گروههای جهادگر کاملاً ازبین نرفته و خشونت همچنان ادامه دارد. در مالی، دولت آمادو تومالی توره (۲۰۱۲ - ۲۰۱۳) به طور نسبی در مورد قاچاق و فعالیت های جهادی، مادام که در شمال کشور محدود بماند، با مدارا رفتار می کند. در بورکینا فاسو، بلیز کامپوره، رئیس پیشین حکومت (۲۰۱۴ - ۱۹۸۷)، آتش افروزی کرده یا آن را تقذیه می کند تا بعد بتواند به عنوان میانجی بین المللی آن را خاموش کند و به یک توافق عدم تعرض ضمنی با برخی از جریانهای دست یابد. براین روال، او با عمل نقش میانجی را در آزادی گروگان ها به عهده می گیرد. در سال ۲۰۱۵، انحلال «دولت» که توسط کودتاگر مستعجل زلیبر دندره انجام شد و بازسازی سرویس های اطلاعاتی موجب آسیب پذیرتر شدن کشور در برابر سوء قصدها شد.

کارتون روز



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: Thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷ - ۱۳۷

